

ده پایه اعتقادی در جایگاه "زن در قرآن"

۱- منشاء واحد داشتن در خلقت

در تورات (سفر پیدایش) آمده است:

" خداوند فرمود: "شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود آورم" ... آنگاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد، و از آن دنده زنی سرشت و او را پیش آدم آورد...

بسیاری از مسلمانان نیز تحت تأثیر این قصه، تصور می‌کنند زن از دنده چپ مرد آفریده شده است! اما قرآن به روشنی بیان کرده است که هر دو منشاء حیاتی (سلول اولیه) واحدی داشته‌اند. از نظر قرآن زن و مرد در بازتاب توحید، هردو از یک گوهراند و در آفرینش یکسانند:

نساء ۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک جان (سلول اولیه) آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او قرار داد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت....

اعراف ۱۸۹- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا.....

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیسایید

۲- زن و مرد هر دو برای آرامش یکدیگر قرار داده شده اند

معمولاً چنین تصور می‌شود که زن وظیفه دارد شوهر خویش را که خسته از کار سخت روزانه بر می‌گردد، با حسن خدمتش آرامش ببخشد. اما قرآن این وظیفه را به عهده هر دو گذاشته و چنین مهر و محبتی را از نشانه‌های وجود خدا شمرده است:

روم ۲۱- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُفَكِّرُونَ

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

ظاهراً ضمیر "الیها" در آیه فوق، که مونث است، کسانی را به اشتباه انداخته و تصور کرده‌اند فقط زن باید آرام بخش مرد باشد. در حالی که این ضمیر به کلمه "نفس" که مونث مجازی است بر می‌گردد.

۳- اسطوره "گناه نخستین"!

برحسب آنچه مفسرین گذشته تحت تأثیر تعالیم توراتی (اسرائیلیات) و تلقینات یهودیان به اسلام گرویده گفته‌اند، گناه خوردن از میوه ممنوعه به گردن حوا می‌باشد و همو به تحریک مار! آدم را فریب داده است. در تورات به دنبال این ماجرا آمده است که:

آنگاه خداوند به زن فرمود: «درد زایمان تو را زیاد می‌کنم و تو با درد فرزندان خواهی زائید، مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت». سپس خداوند به آدم فرمود: «چون تو گفته زنت را پذیرفتی و از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد و...» (سفر پیدایش بند ۳)

این داستان سمبلیک البته در قرآن نیز آمده است اما با این تفاوت که همه جا "انسان" صرفنظر از جنسیت او مطرح است و هر دو (آدم و همسرش) به طور کاملاً مساوی مورد خطاب واقع شده‌اند، گویی اصلاً آدم یکی است در دو جلوه جنسی؟!

بسیار شگفت انگیز است که در سه سوره قرآن که این ماجرا شرح داده شده است، جمعاً در ۱۶ آیه ۵۰ بار!! ضمیر تنبیه (دو نفره) به کار رفته است؛ هر دو مخاطب این آزمایش بودند، هر دو را شیطان فریب داد، هر دو از شجره ممنوعه خوردند، هر دو توبه کردند، و... آیا همین تأکید و تمرکز روی ضمیر تنبیه دلالت بر اشتراک مسئولیت مساوی آنها در همه مراحل نمی‌کند؟ نگاه کنید به ضمائر تنبیه که زیر آن خط کشیده شده است:

بقره آیات ۳۵ و ۳۶ (۷ مرتبه)

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمتهای) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد. پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.»

اعراف آیات ۱۹ تا ۲۳ (۳۵ مرتبه)

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

«و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!» پس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم. و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان (عورتشان) بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارش آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» گفتند: «پروردگارا! ما به خویشان ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!»

طه آیات ۱۱۶ تا ۱۲۳ (۸ مورد)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ قَنُوسِيٍّ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجُكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ فَوَسَّسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمَلِكٍ لِي بِئَلَىٰ فَأَكُلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَلِمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ

و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد (و سجده نکرد!) پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند؛ که به زحمت و رنج خواهی افتاد! (اما تو در بهشت راحت هستی! و مزیتش) برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد؛ و در آن تشنه نمی‌شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد!» ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟!» سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت،) و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. (خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود!»

۴- ارزش به تقوا

معیار ارزشی نزد خدا نه جنسیت، قدرت، ثروت و حتی علم و هنر و حکمت، بلکه فقط نیروی کنترل و مهارنفس است که به تعبیر قرآنی "تقوا" نامیده می‌شود، بنابراین این سخن که روح قرآن مردسالاری است، امری ظاهری نه ذاتی، و ناشی از قالب زبانی آن (فرهنگ و ادبیات عرب) است می‌باشد و پایه ای ندارد.

مردسالاری تاریخی نیز که کم و بیش در همه جای عالم وجود داشته و ظلمی که به زنان شده و (حتی در کشورهای به ظاهر اسلامی) می‌شود، عادت‌های بشری و فرهنگی قبیله‌ای است که ربطی به حکم خدا ندارد. نگاه کنید:

حجرات ۱۳- يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!

اصالت قائل شدن برای تقوا در ایمان و عمل، به خصوص در روزگاری که ظواهر و زیبایی‌ها بیشتر جلوه می‌کند و سکس و شهوات جاذبه بیشتری دارد، نشان دهنده اعتباری است که قرآن برای شخصیت زن و مرد قائل شده است:

بقره ۲۲۱- وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ۚ وَلَأُمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۗ وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ...

و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیآورده‌اند، ازدواج نکنید! و کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را نیز به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیآورده‌اند، در نیاورید! و يك غلام باایمان، از يك مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی) او شما را به شگفتی آورد.

۵- تساوی در قبول امانت اختیار

در تورات آمده است: «ابتدا مرد آفریده شد و در همان آغاز در آزمایش دانش و خرد موفق شد»، ارسطو حکیم معروف یونانی و افتخار دنیای غرب (در کتاب سیاست) هم گفته است: «زن یکسره از ماده است و از روح خردمند خدائی که در مرد است بی‌بهره است و به دلیل این نابرابری طبیعی حاکمیت مرد بر زن برقرار است.»

از فیلسوفان قرن بیستمی نیز "هگل" می‌گفت: «زن قابلیت تعلیم و تربیت را دارد، اما ذهن وی مستعد علوم عالی، فلسفه یا برخی از هنرها نمی‌باشد. تفاوت زن و مرد مثل تفاوت حیوان و گیاه است.... مردان از اصول عام و زنان از تمایلات حادثی پیروی می‌کنند».

اگر "روح خردمند خدائی" را همان اختیار و انتخاب مستقل آدمی، که وجه تمایز او از بقیه موجودات است بدانیم، قرآن نوع انسان را، صرفنظر از جنسیت او "مشمول اختیار" قرار داده و سه حالت: ایمان، کفر، نفاق، را به هر دو نسبت داده است:

احزاب ۷۲ و ۷۳- إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۗ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا . لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را شناخت و به خود ستم کرد)! سرانجام چنین خواهد شد که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است!

۶- میدان مشترک زن و مرد در رشد و کمال

هرچند قرآن از قاعده "تغلیب" در زبان عربی، که زن و مرد را، وقتی مشترکاً مخاطب باشند، با ضمیر مذکر خطاب می‌کند، استفاده کرده است، با این حال برای رفع این سوء تفاهم که لحن این کتاب مردانه است! در موارد مهمی هر دو ضمیر را با هم آورده است تا نشان دهد تفاوتی در زمینه‌های رشد و کمال این دو نوع نیست. از جمله نگاه کنید به آیه زیر که در ۱۰ زمینه (عدد تمام) میدان مشترکی برای زن و مرد گشاده است:

احزاب ۳۵- إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِمِينَ وَالصَّالِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمُ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

۷- سهم بودن در پیروزی و شکست

۱۰ زمینه فوق، همه میدان های معنوی را در بر می‌گیرد مگر میدان جهاد! به نظر نمی‌رسد خود زنان نیز مدعی و متقاضی سهم داشتن در این زمینه نباشند، اما قرآن در این زمینه هم آنان را سهم مردان قرار داده است. درست است که زنان در زمان نزول این آیات اسلحه به دست نمی‌گرفتند، اما مگر فقط اسلحه است که سرنوشت جنگ را تعیین می‌کند؟ آنها در پشت جبهه و در تربیت فرزندان مجاهد و تأیید و تجهیز مردان مبارز نقشی کارساز داشته و دارند، بنابراین هم در شکست مقصراند و هم در پیروزی مؤثر! نگاه کنید به سوره "فتح"، که پیروزی و شکست را به حساب هر دو گذاشته و ایمان، نفاق و شرک را به هر دو نسبت داده است:

فتح ۱ تا ۶ - إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا... لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا . وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ ۗ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!... هدف (دیگر از آن فتح مبین) این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می‌مانند، و گناهانشان را می‌بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است! و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند؛ (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود...

۸- مسئولیت مشترک در امور اجتماعی

در دنیای غرب حق رأی زنان برای نخستین بار در نیمه اول قرن بیستم به رسمیت شناخته شد! پارلمان انگلیس در سال ۱۹۱۸ حق رأی زنان بالاتر از ۳۰ سال را، به خاطر خدماتی که در جنگ اول عرضه کرده بودند تصویب کرد و در ۱۹۲۳ این محدوده سنی را به ۲۱ سال تقلیل داد. آمریکا در ۱۹۲۰، ایتالیا ۱۹۴۴، فرانسه در ۱۹۴۵، ژاپن ۱۹۴۸، هند ۱۹۵۰ و بالاخره ایران ۱۹۶۲ حق رأی زنان را تصویب کردند!

اما در ۱۴ قرن گذشته در عقب افتاده‌ترین نقاط دنیا و در میان مردمانی بی‌سواد، هرچند رأی دادن به شکل امروزی معمول نبوده، اما حضور زنان در صحنه مسئولیت‌های اجتماعی از طریق ایفای فریضه "امر به معروف و نهی از منکر"، که عمدتاً همان مراقبت بر عملکرد حاکمان و انتقاد به انحرافات آنهاست، در قرآن به رسمیت شناخته شده و این نقش را "ولایت همگانی زن و مرد" شمرده است:

توبه ۷۱- وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!

۹- استقلال در انتخاب عقیده و عمل

در طول تاریخ، به خصوص در دوران جاهلیت و جامعه قبیله‌ای عربستان، که جایگاه زن از دیگر نقاط دنیا هم پائین‌تر بوده است، همواره زنان تابع و تسلیم مردان در تصمیم‌گیری‌های دینی و سیاسی بودند. در چنین زمان و مکانی است که قرآن هجرت کردن زنان، با وجود مخالفت پدران و شوهرانشان را به رسمیت شناخته، پذیرش آنان در جامعه ایمانی و پرداخت هزینه هجرتشان را توصیه کرده است:

ممتحنه ۱۰ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِإِيمَانِهِنَّ ۗ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تُرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۗ لَ مَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۗ وَأَنَّهُمْ مَا اتَّفَقُوا عَلَيْهِ ۗ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش کنید - خداوند به ایمانشان آگاهتر است - هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را بسوی کفار بازنگردانید؛ نه آنها برای کفار حلالند و نه کفار برای آنها حلال؛ و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند به آنان بپردازید...

۱۰- استقلال شخصیتی زن از مرد و حساب مستقل او نزد خدا

۳ آیه انتهایی سوره تحریم، ۴ زن را معرفی می‌کند؛ ۲ زن برای مؤمنین، ۲ زن هم برای کافران! آن دو نفری که برای کافران (ناسپاسان و قدر نشناسان) مثال زده شده، همسران دو پیامبر بزرگ خدا؛ نوح و لوط (علیهماالسلام) و ناظر آموزش‌ها و اخلاق آنها بودند، با این حال راه خطا و خیانت پیمودند و سرنوشتی جهنمی پیدا کردند! این مثال نشان می‌دهد که حتی همسر پیامبر بودن هم دلیلی برای سعادت و شفاعت نیست، سرنوشت زن مستقل از همسر و وابسته به عمل خودش است!

اما آن ۲ نفری که برای مؤمنین مثال زده می‌شود، اولی همسر بدترین مرد روزگار، یعنی فرعون بود، با این حال نامش به عنوان بانوئی برجسته در ایمان و اخلاص در کتاب الهی ثبت شده است. دومی بانوئی است که در روزگار مردسالاری نه پدر داشته، نه شوهر و نه برادری که از او حمایت و بر او معلمی نمایند، با این حال در پاکی و پارسائی به مقام برگزیده‌ترین زنان عالم نائل شده است (آل عمران ۴۲). این مثال نشان می‌دهد که زن می‌تواند همسر بدترین مرد دنیا هم باشد، یا اصلاً همسر نداشته باشد، اما استقلال شخصیتی خود را حفظ کند و نه تنها سالم بماند، بلکه سرآمد دیگران هم بشود! نگاه کنید:

تحریم ۱۰ تا ۱۲ - ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ۗ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ ۗ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۗ وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ ۗ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!» و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!